

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0209

<http://hdl.handle.net/2333.1/sqv9s4vw>

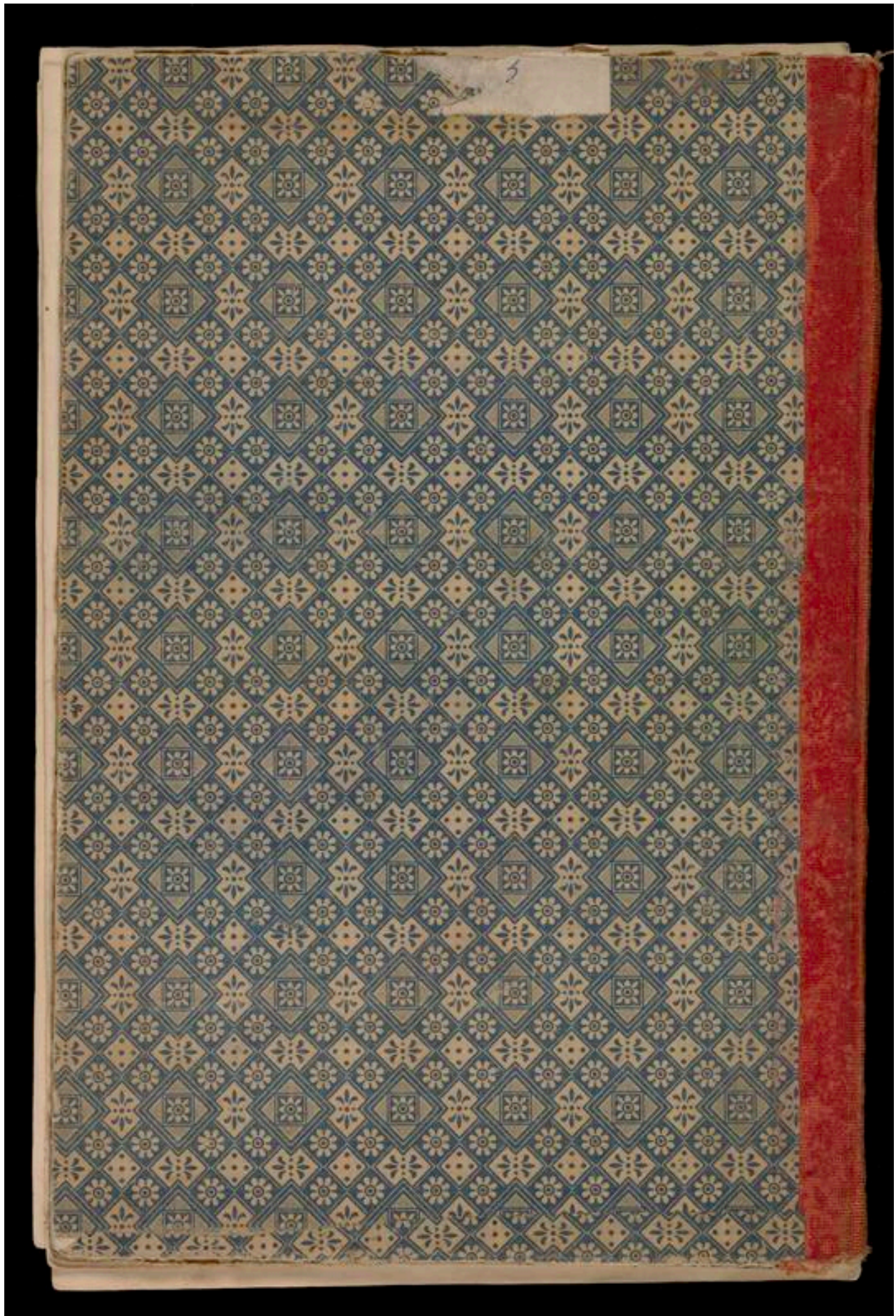


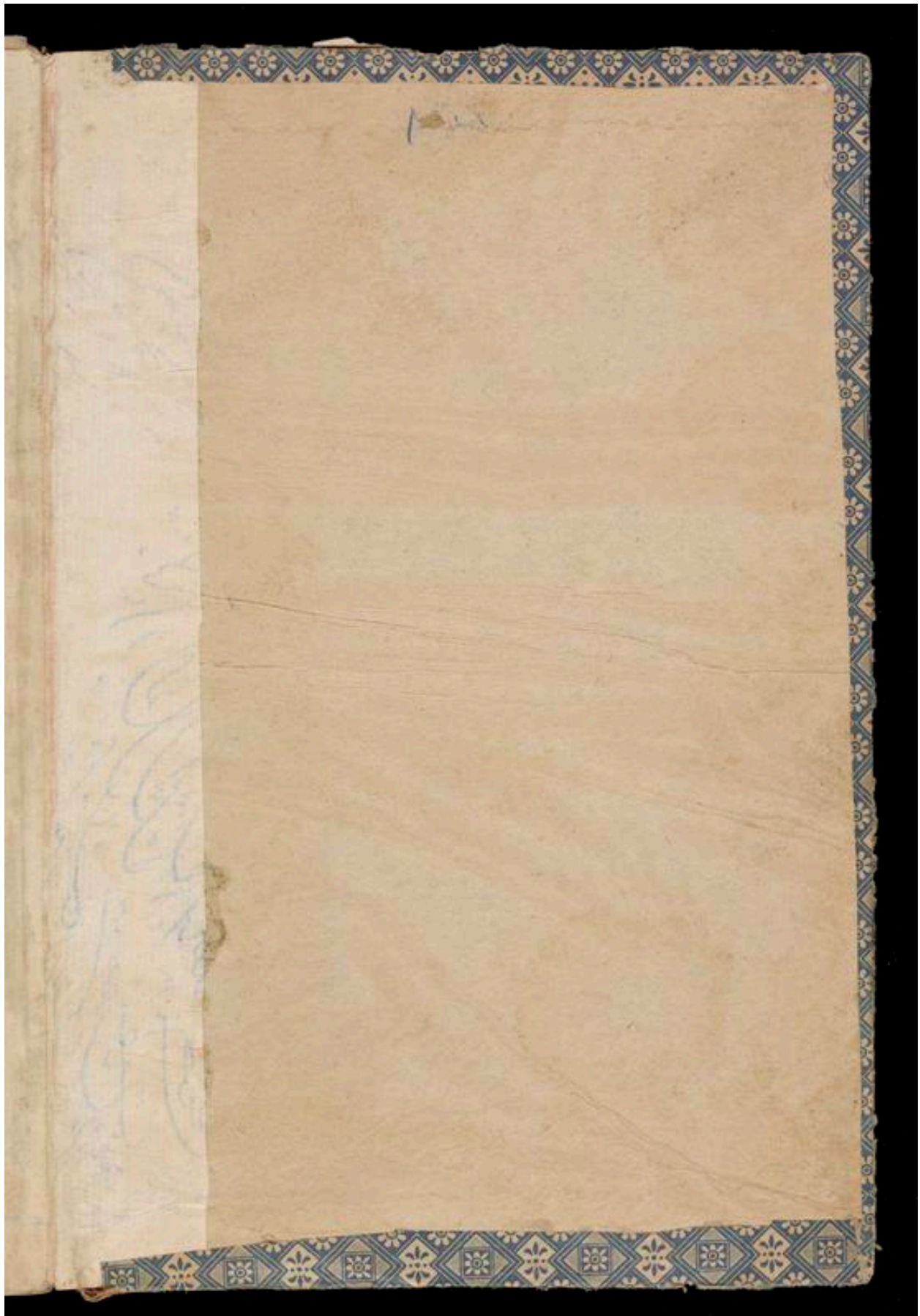
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

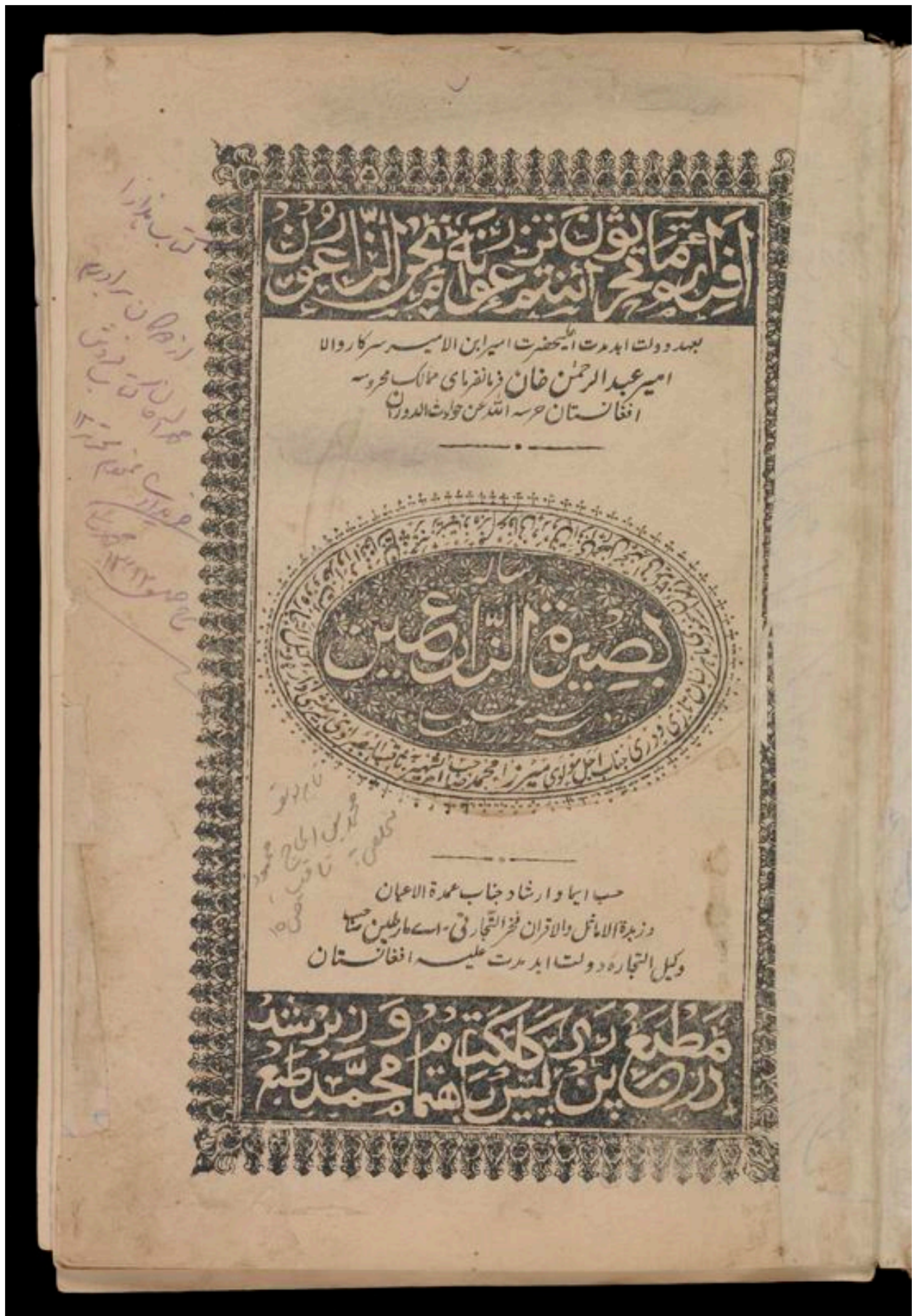
When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu









در حقیقت پرستش پروردگار براسن است که بکاف و نون
مشیت جبرائیم کان و یکون را از کتم عدم بعرضه شهود آورد
و بانظارانی قادی علی کل شیء بزره کون و فساد را بمنصه
ظهور رسانیده و بتیان انا مؤلف الاشیاء بمقتضای
افت اضداد مدح را بترکیب و اختلاط یکدگر آراسته
خاک را بباد امتزاج و آب را بآتش ازدواج نموده از مزاج
این اربعه غیر متناسبه تولید خواستی که دال بر قدرت او
باشد ظاهر گردید. زین ازدواج چار عناصر بروزگار تولید
گشت جمله ماکان و مایکون و بمقادما خلقت اجن و الانس
اللی عبودون از میانه موالید این تاج اهبت
و سرور را بر تارک بوالبشر نیاده و بتبریت و علم آدم الاسماء

۴

ویرا شک خیز ملا را علی فرموده و بکلمه انا عرضنا الامانة على السموات
باوجود جنبه سفلی مورد امانت و امتحان و آیت قدرت خویش
قرار داده و ماده ملکوتیش عنایت فرموده و عالم را منظر
وجود او ساخت لقایله علیه السلام انک جرم صغیر و فیک
الظوی عالم الاکبر و درود غیر محدود و ینیمبر محمودی را رواست
که افسر لولاک لما خلقت الافلاکش بر سر او رنگ انا لنت
نبیا و الادم بین الماء و الطین را زیور است و بر آل و صحاب
او که درخت نجات را ریشه و شجر وحدت را ثمر اند و بعد چون
اشرقرین علوم بعد از علوم مدرکات ذہنیة و معرفت الہی علم
زراعت است و اوست اقدم بر او چنانچه رسول اکرم علم
ابدان را مقدم بر ادیان فرموده بر حسب شرافت بل بحسب

مقام و احتیاج زیر که اگر علم زراعت نبودی انسان را
بودی نبودی و علت غائی خلقت که معرفت است قائم نشدی
پس اوست یکی از اسباب معرفت الهی - لقائه ۵

ثُمَّ لِيُفِي نَبَاتِ الْأَرْضِ فَانْظُرْ	إِلَى أَنْثَارِهَا صَنَعَ الْمَلِكِ
---	-------------------------------------

هر آن گیاه که سر از زمین برون آرد و بجز قدرت او قطره
عیان دارد - و شک نیست که در دنیا بهترین علوم علمی است که
ابنای جنس دیر محتاج تر و فائده از وی زیاده برند و علمیکه
درجه احتیاج خلایق زاید و سودمند تر ازین علم سبب باشد نیست
و علمی است که خداوند تبارک و تعالی آدم را تعلیم فرمود
و اوست سبب اولی بهجت سایر انساب و اوست علت اول
از علل معرفت و عبادت - از دست منظم صفت رزاقیت

و بواسطه اوست قوام بشر و قوای انسانی و علمی است که خداوند
جل شانه معلّم وی و انبیای کرام عامل او بودند این است
که حکما فرموده اند که الزراعة سبب قوام الانسان و قوه کل
ذی روح و علت تصاعد الملل و سبب ترویج التجارة و منها
تعمیر البلاد و بهاء ترقی العباد و جرم ثومه العزّه و ارومه الثروة
آری علیکه عالم بدو برقرار و دنیا از او پایدار و خلق بسوی او
محتاج البتّه این اوصاف را سزا است اگر بدقت دیده شود
کیساییکه خلق بدو حیرانند اوست و اکیریکه در عقبش پریشان
اوست - تجارقی است که مقدم است بر تمام تجارتها می عالم
و مال التجارة است که بازارش کسادیران دیده و متاعی است
که خریدارانش هرگز از وی نقصانی نکشید خلق هر صبلح که

سر از دامن بستر برون آرد بواسطه خریداری وی است
و هر شام که ببالین فرانش رسد در فکر فراهم آوری اوست
مظفلان خرد سال بدو محتاج و پیران ساخورده بوی گرفتار

کیمیائیکه ضلالتی ز پیش حیرانند	اهل فضل و هنرش جمله ز رست خوانند
--------------------------------	----------------------------------

مگر هنر ارحیف و در ریغ که چنین علمی را که تمام دنیا عامل و محتاج
وی اند و باعث هر گونه ترقیات ملکی و ملتی است هموطنان ما که همیشه
خداوندان علم و معرفت بوده اند ویراپشت پازده و در یوز
گران بی سر و سامان همین فن را آموخته و باوج خویشش و خویش
رسانیده و رسیده اند و بواسطه برکت این علوم و فنون دست
بالای ما را زیر دست خویش نموده - ملاحظه نمیکنی که علم زرع است
که بزرگترین علوم و بهترین اسباب تجارت است بزرگان ما

از وی بی اعتنا و تاکنون در تصنیف کتب این فن توجهی نفرموده
و دوران بلاد متعدد و متکثره مدرس که در وی آموخت کاری وی
باشد نیست و سوای دهقانان اُمّی که بتجربہ ناقص خویش این ناتمام
زراعت را میکنند دیده نشده است که کسی از دانا یان در زیر
زمین و زراعت دست گاهی داشته باشد بدین سبب زمینیکه قابل
محصول کثیر باشد مالکش منفعت قلیل می برد و یا زمینیکه قابل زراعت
نیست در وی زراعت می کنند که باعث تباهی زمین و خرابی تخم میگردد
ازین است که همیشه در حالت پُرمائی و پریشانی حال خویش را می بینیم
تعالیه تا برده ریخ کنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
نظر کن اهل یورپ را که دائره این علم را چه قدر با توسیع
داده و هزار کتاب تصنیف نموده اند و مدارس متعدد

و منکثره بجهت تعلیم این علم مقرر فرموده و ملیون باوقفيات بجهت
ترویج این علم قرار داده اند و آلات و ادوات بیشمار بجهت تسهیل
این علم فراهم آورده روز بروز در فکر ترقی این علم اند و این علم
نیز در اوج است و هر ساعت در صد و آن اند که دایره این علم را
و استر و اختراع جدیدی بجهت تربیت زمین و حاصل بعمل آرند
و هزارها از طریق ثمرات و قطنیات و حیوانات جدیده از تجربه خویش
پیدا کرده اند و هر روزه بدین خیال اند که نوعی شود که در ارضی
قلیل مفاید کثیر بردارند - چگونه این منافع شامل حال ما شود که ازین
فن بهره و ازین علم صر فی را بخوانند و فی الواقع کلی سبب
احتیاج ما عدم این علوم است و واضح است که علم تا مقید در دفتر نگردد
بجمال خویش نزد هیچ علمی نبوده و نیست که واضح ابتدا کامل نموده

باشد مگر اینکه خداوندان آن علم هر روز تجدیدش نمودند و بجدوشش
 رسانیدند. چنانچه بزرگان مایه اولاً علم زراعت و فن صناعت را مثل
 سایرین بقید تحریر آورده بودند این وقت در تجارت شخصی و ملکی محتاج
 بدیگران نبوده و این ذلّ عبودیت احتیاج در ماساری نشدی و حال
 نیز اگر چنان کنیم روزی رسد که از این احتیاجات مستغنی و از این
 عجز بندگی و ابرهیم - شعر ه

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کرد	من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش
----------------------------------	---------------------------------

هزار افوس که خواب خرگوش ما را فرا گرفته و در ذائل صفات در
 گوشه های مایه بار خفته که آنچه باید از ترقی اقوام بیگانه مشاهده کنیم
 و از طعن و طنز همسایگان بشنویم نمی بینیم و نمی شنویم - سر از خواب
 غفلت بر نمی داریم و چشم بصیرت نمی کشاییم و غیرت و مردانگی را شیوه خود

نمی‌کنیم و احتیاج و انحطاط و پستی خویش و قوم خویش را نمی‌بینیم و در
میدان واسع فضائل که بیگانگان گوی سبقت را ر بوده اند با نمی
نیم و در کلبه انزوا و کم‌نامی بسر می‌بریم

تا که کرد این شیوه عادت طبع نافرمان ما | نیم جوشی در زبان انجمن شد نام ما

مگر هزار سجدهات شکر بجای می آورم و هموطنان ملت خواه را بشارت
میدهم که درین آوان دولت جلیله افغانستان حربه الله عن
حوادث الدوران اغنی علی حضرت امیر ذوالمجد والاقبال شریق البیان
طلیق اللسان محرس الشقائق و منکس المفاالق المطلق من الغصی و المنکر
من البغا خسر و تسلیم سخن بادشاه دانش و فتن فرد مرد یگانه شهریار
والا همت زمانه انسان کامل و کامل انسان کام بخش و کامران جوهر
جو انمزدی و مروت و گوهر حمیت و فتوت چکیده عزت و شوکت

۱۲

قهرمان دادگستر و دادگستر قهرمان صولت رستم سهراب نشان
 و سهراب رستم توان قارن آرش کمان و آرش قارن سنان
 مهر سپهر عزت و بختیاری و اختر تابان فلک کا بجشتی و کامکاری گنجینه
 کمال و سفینه افضال فروغ دیده ارباب دانش و مینش و گلستان
 بوستان آفرینش گل ریاض جهان و غنچه باغ امکان و اور عالیجاه
 امیر والا و سنگاه مشیر روشن ضمیر بالغ نگاه مسلمین را پناه و مومنین را
 امیدگاه اجل اکرم انجم اعظم امجد والا

خدایو جهانگیر فرخ نژاد	مشیر جهاندار نیکونیراد
نجیری هنر پرور و دادگر	دبیری جهان داور و پر هنر
سپهر عطا آسمان خوا	هژر برتیاں پرورشیت و غا
هنگ بلی قسزم پردلی	بجان عد و برمتان جلی

جهان را جهاندار عدل آفرین	زمین را نگهبان ز ظلم تهرین
پهدار ملت عملدار دین	نگهبان امت خدیو زمین
کتاب ادب قدر دان بنهر	بود جوهری بهر حفظ گهر
باورنگ شاهای چه گیر و قرار	انوشیروان گوئی آمد دوبار
بعدل و نیش گرگ و میش است جنت	تو گفتی که در عهد وی فتنه خفت
مین داوری از نژاد هم	بهین میتری از تبار کرم
اسیری کرم گتری شیر گیر	مشیری جهان داوری داد گیر
بهد ویش شیر ز آهو بر م	بصرش پرد کبک بابا ز هم
چو رو آورد در مصاف عدو	زر عبش عدو پشت سازد دعو
چو جولان دهد باد پی رخ خولش	زر عبش شود قلب اعدا اش ریش
چو رخ آورد در و غاوقت جنگ	بلرزد عدو ار چه باشد ننگ

۱۴

روا باشد آرند باج اربوی	شهان جهان جلگی بی بی بی
بعد ویش علم و فن شد رواج	وجودش بعلم است گوی سراج
هنر بود چون مرغ بے بال و پر	وگر باره پرواز دادش ز سر
باقبالش از رخس اکبر بود	برای ویش سعد کبر شود
خدایش شبان کوه بر سلیمین	زمین را نمودش بزیر نگین
ز قهرش عیان رب و فرشتهی	بوجش نهان آیت آگهی
اسیر زمان عبد رحمان خان	که در جسم گیتی است مانند جان

از طلب و حوصلگی و وطن پرستی و رعیت پروری و علو همت و دوستی ملت
در صد و اصلاح این گونه خرابیها برآمده همه روزه بنوعی در صلاح
قوم و ترقی علوم شان می کوشند چنانچه درین زمان از ارشاد
حضرت والا جناب اجل اکرم افخم تاجر قماش معرفت و ماهر سنون

تجارت فرخنده نژاد نیک نهاد نفعی جناب تی۔ اے مارطین صاحب
وکیل التجارہ دولت خداداد افغانستان کہ ہمیشہ بخیر خواہی و
نیک نامی حضرت والا کوشش کرده و خدمات نمایان از ایشان بمنصہ
تلوور رسیدہ و نمک حلالی کہ اثر نجات است پیوستہ از ایشان ظاہر گردیدہ
و ہمیشہ در صد و خدمتی است کہ بدولت جلیلہ نفعی عاید گردد و امر بدین
میچندان کج میج بیان محمد بن الحجاج محمود بن ملا علی البصر اوی المتخلص
بشاقب فرمودہ کہ کتابی در اسور زراعت تنباک نوشتہ تا بدر بار
ہمایونی روانہ دارد۔ با وجود عدم استعداد و قابلیت و کم مائیگی
خویش عذر را بیهوئی بحضرت والا توعم خود و انتم چون خود از این
علم بہرہ نہ داشتہ ام بامداد بعضی نوشتہ جات بسیار متبر انگریزی کہ
کہ جناب صاحبی تی۔ اے۔ مارطین موصوف مرحمت فرمودند این مختصر

اوراق رتالیف و ترجمه نمودم - گر قبول افتد زهی عز و شرف - و در حقیقت درین
زمانیکه دولت علیّه برطانیه کمال مودّت و یگانگی را با ملت جلیلۀ افغانستان
دارد و یکی از بزرگترین دول فنگستان و مذهب ترین اقوام جهان است و
علوم و فنون را بهر ارباب و خون جگر به ارج محویش رسانیده موردیست نیکو که حضرت
والا کتب عتیقه و تجارت کارخانه های بخاری از بهر بطریق سهل آسان در ملک افغان
رواج دهند و شک نیست که از خوش نفسی و دوستی و صلاح خواهی مودّت و یگانگی
که با حضرت والادارند امالی دولت انگلیشه از هیچ باب مضایقه نخواهند فرمود و در این
زمان افغانان رشک بوستان خواهند شد شهر تا آفتاب هست مرئی بر روزگار
باشد و وجود پاک تو در دهر بایداره اسیر سخن سخنان نکته فیم آن است که اگر نقصان
عبارت تکرار شده و برقرار عجز این هیچ قلم اصلاح بروی گذارند و این چیز را
و نظریاد ضرر نمایند که قلم در ترجمه عبارت محدود است خدما صفا دع ما لک سر *

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام سلسله زراعت تنباک در ملک انگلستان خیلی
روز افزون است. دولت انگلشیه در دارالشورای
خاص و عام بخصوص کاشتن و خشک نمودن تنباک بشرایط چندی
انظار رضا و خوشنودی نموده که عمده ترین شرایطش آنکه یقین
کلی حاصل شود که زراعت تنباک در انگلستان مفید و سودمند
خواهد افتاد. و نیز در آخرین مجلس کابینه در ۱۸۸۷
که صدر آن جلسه عالیجاه پرنس آف ویلس بوده در آن سلسله
گفتگوی زیاد شده که نتیجه وی صحیح در زراعت تنباک است
و اکثر محققین بین علم زراعت تنباک را در انگلستان سهل و
و آسان دانسته اند. و این زراعت نه چنان است که اکثر مردم

نمایند که در این مجلس بااعت شورای زراعت انگلستان
پرنس آف ویلس - لقب عالیجاه ویلس - بنده

گمان کرده که از انگلستان مفقود الاثر شده بلکه هنوز حجتیه
بعضی از زارعین استعمال بوی دارند. و اما طریقه کاشتن
تنباک بشرط جمعی اسباب و مقیابودن ادوات و استعداد زمین و
علم بوی بسیار آسان است. اولاً لازم است که قریب بماء اپریل
نختم تنباک را به تغار کل آمیخته بر مل گندم وارد خاک پاشند و
اندکی خاک بر روی وی ریزند. و تغار مذکور را در کر محسانه
و یا در فرخیم نگاهدارند تا تخمها سر از خاک بر آرد و بوتههای وی
بقدری شود که بدست آید. آنگاه در صندوقی سر پوشیده بگذارند
و روزنه قلیلی بروی باز کنند و در سردخانه نگاهدارند تا آنکه از آفت
شبنم محفوظ باشد و در همانجا تا آخر ماه می تربیت شود پس آنگاه
که خود را گرفت در وسط ماه جون بوتهها را در زمین نشانند که در

ز ستانش بخاشاک قوت داده و نرم کرده باشند و بوته‌ها را
بخاک اندازی برداشته بفاصله دو فیت بقطار بنشانند و قطارها
نیز بفاصله یک و نیم فیت باشد مگر بعد از نشانیدن حفاظت زیاد لازم
دارد که کرم‌های ریزه خیلی خواستگار برگ‌های نازک میباشند
و بعد از اندک بزرگی بوته‌های مذکور از آسیب این گونه آفت
در امان است و دیگر توجهی که قبل از بریدن لازم دارد آن است
که یک دو مرتبه زمین را شخم کنند تا علف‌های خود رو پیدا نشود و
تا وقتی که گل‌های اول خوب شکفته نشود بوته‌ها را گذارند تا بزرگ شود
و هرگاه خوب شکفته شود آن وقت از روی زمین ببرند و بعد
از آن تا یک روز یا دو روز در کنارهای کرد و گذارده تا آفتاب
خورد و در این عرصه آنها را یک دو نوبت زیر و رو کنند

و برگاه خشک شد در انبار سقف و هوا گیر گذارند و روی تنباکهارا
تا چار پنج روز از حصیر بپوشانند تا اندک اثر نمیتی در او ظاهر شود
بعد از آن برشش یا هشت شاخه را روی هم دسته بندند و در
سقف خانه معلق بیاویزند و تا خوب خشک و غابی رنگ نشود آویزان
باشد و این امر در عرصه چند هفته تکمیل میرسد - بعد از آن آنها را
بر زیر آورده برگ را از شاخ جدا کنند و شاخها را به انج یا چار انج
قطعه قطعه کنند و پس از آن چوب و برگ را در پیپ یعنی خمره پچانند
و پیپها را در جانی گذارند که از رطوبت محفوظ باشد و تنباک را کم کم
بقدر ما محتاج از ظرفها بیرون آورده بمصرفت رسانند - در آن مرحله
اول کاریکه نسبت زراعت تنباک بعمل می آید اهتمام زمین تخمکاری
است - و زمین باید وسیع باشد که بوتهای تنباک بغاصله کاشته شود

ک پیپ پیپا مثل میپائی باشد که از تنباک دنیا سبب در آن گذارده می آید
ک استهیکه - تنباک دنیا

و روی آن زمین را باخس و خاشاک می سوزانند - و در بعضی
محالات ابتدای تخم در ماه جولائی می شود - و در آن ماه زمین را
خاشاک می ربند و تخم پاشی در ماه اگست می کنند و در ماه سپتمبر
علفهای خود روی ویرامی کنند و این تخم پاشی گاه در خزان
و گاه در ابتدای بهاری شود - و در اکثر محالات زمین تخم پاشی را
در موسم خزان نیز می سوزانند و در بهار تخم تخم و هم نیم تخم باید بشود
و بعد با تخمکاری بعمل می آید و در زمین سوخته شده گلنت پیدا میشود
و در قلمهای تنباک اثر می کند و علاوه برین زمین نرم و شخمش
آسان تری گردد - و بعد از خنکاری زمین را بار و روه هموار کنند
و اندکی روی آن راه روند و ناله های کوچک که در سردخانه
گذاشته شده نیز از خاشاک مرطوب تزیینت کنند و علفهای خود روی

زمین را دفع نمایند تا با و اخر ماه می قابل نشاندن در زمین
گرد و و تنباک را بچند قسم میکارند که ذکرش خواهد شد و تاکید است
که تخمهای تنباک نزدیک هم و روی هم پاشیده نشود و اما
بذر تنباک از اکثر بذرهای ریزه تر میشود غالباً از یک بوته تنباک
اینقدر تخم بعمل آید که کفایت ده انگلی زمین نماید - تخمیناً یک
قاشقیکه ده مثقال تخم بگیرد - دو ذرع در پنجاه ذرع زمین را کافی است
تخمها را بارمل لا آمیخته نصف ویرا از راست در تمام زمین بپاشند
و نصف دیگر را از چپ بهین قسم در روی ریزند تا نیم بالتسویه شود
زمین موضوع نهال باید از اول مستعد باشد یعنی در موسم
خزان بعد از تخمپاشی تخم کنند که شاخهای هرزه او برهنه شود
و مصدر این شاخهای هرزه ریشهای تنباک قبل است که باعث

پیدایش کرهما میشود - و قریب اول ماه منی زمین را ثانیاً شخم کنند و
قبل از نشاندن درختها نیز شخم باید کرد و میانه این دو شخم هر وقت
خوaste باشند خاشاک دهند و باید مقدار خاشاک زیاد و کافی باشد
اغلب از پانزده الی سبت بار خاشاک در هر ایکس زمین قبل از
شخم می اندازند و در بعضی مقامات دو صد رطل خاسفیت⁺ و
دو صد و پنجاه رطل نایتریت آف سودا روی هر ایکس زمین می اندازند
و از همین تدابیر در یک ایکس زمین هزار رطل از قسم اعلائی تنباک
بجمله آمده است - و زمینیکه در خور تنباک است باید ریگ آلود
و هموار باشد و زمین را بعد از شخم از کلوخ کوب باید هموار
و بجبت نشانیدن درخت نشان کنند - اگر تنباک از قسم شاخسای
بزرگ باشد قطارهایش بفاصله یک فرس در نیم فرس باشد

⁺ خاسفیت - بجبت تنباک را اعلی و نایتریت آف سودا مقدار مصل را زیاد می کند

۲۴

و اگر از قسم کوچک بود نشانایش بفاصله شبر در یک و نیم شبر
بگذارند پس بدین حساب از قسم بزرگ پنجهار و هشت صد و اقسام
کوچک نه هزار و هفت صد و هشت در یک آنیکم زمین باید نصب شود
و این مقدار در اراضی مستعد ممکن است و در اراضی غیر مستعد
کمتر از این باید و بهناله های تنباک باید بعد از باران یا آب پاشی
در زمین نشاند شود به صورت آب پاشی یا باران ضرور است
و هرگاه بعد از نشاندن بوته ها حالت زمین لازم شخم بود از بخر
نرم کنند و تا چند نوبت هفته وار بدین قسم عمل نمایند و زمین را
دو مرتبه از بیل شخم کنند که دفعه اولش بعد از پنجه زدن باشد
و چهل و هشت یوم بعد از نشاندن بوته ها کل می کند آن وقت
لازم است گلچینی کنند زیرا که اگر گلچینی نشود بوته ها رشد کامل نمی کند

آنیکم - بقدر سه جریب و نیم کامل

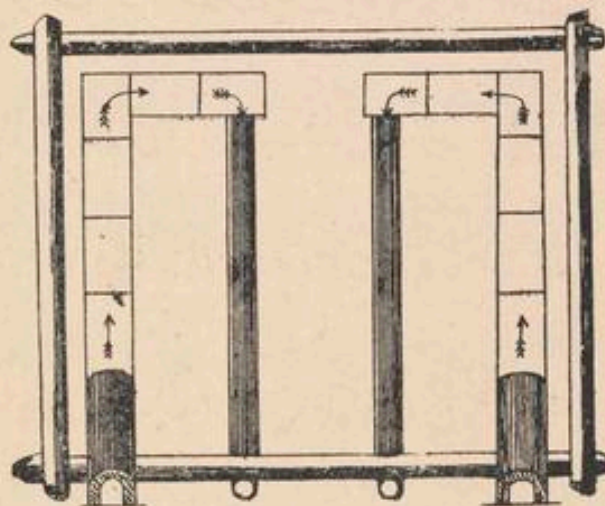
و این زمانی است که شاخهای هرزه را نیز جدا کنند و ثانیاً
وقت بریدن شاخهای هرزه ویرا بچینند. و زمان بریدن
تنباک از ابتدای برج اسداست و بعضی از کاردو برخی از
آره و اکثر از بیلچه از روی زمین قلم می کنند و هفت بوته را
در چوبی نچکانده بروی تخته گذارده در انبار برند و باندک
فاصله آویزان کنند و انبار را بذریعہ بخاری کرم دشته باشند
و نایب روز کرمی انبار را از نو و تا صد و ده درجه نگاهدارند
و در مقامی که آفتاب رو ممکن باشد آفتاب دهند و نیز آخر کار
بذریعہ حرارت بخاری خشک کنند و انبار باید هوا گیر باشد
و بلندی کارخانه های تنباک بمقدار چارده فیت و عرضش
بست و هشت فیت و طولش بقدر کفایت مال باشد. و بعد از

نخک شدن بوته‌ها برگ را از شاخ جدا کنند و برگ‌ها را موزون
نموده جدا جدا بپزند و از هجده الی بیست برگ را چپیده
دسته کنند و در گوشه روی یکدیگر نهاده تا بواسطه بخار یک
از حرارت ذاتی اوست نمیتی پیدا کند آنگاه در خمسه
و بتربیتی که شاخ بجانبی و برگ بجانب دیگر باشد گذارند
و خمسه باید بمقتدر ایش تصدالی دو هزار رطل جاگیر
داشته باشد و ما مفصلاً هر یک از این امور را بجهت سهولت
عاملان مینکاریم - سر رشته زمین اقسام مختلفه تنباک از خوراک
و چسروت و جگاره و چق و قلیان علیحه است - اولاً از اسرع
باید امتیاز ویرا و بد تا مصروف وی زاید از خرج نشود - ابتدأ
بر زراعت لازم است که زمین زراعت را استحسان نماید که

قابل کد ام یک اقسام تنباک است - زمین قوت دار که رنگش
مائل به سرخی باشد بجهت تنباک کرم و زمین ریگ آلود بجهت
تتون چین و زمینیکه کناره آب واقع شود بجهت تتون رشتی و جگاره
موضوع شده و ما ذکر تجربه استادان این فن در آمده
و اقسام مذکوره تنباک مفیدترین و بهترین انواع اوست
و بحث در این رساله مبنی بر همین اقسام است - مگر تا وقتی که
زارع انبار بخاریدار مخصوص یعنی فلولو بناند بد کاسیابی وی
کما هو حقه شکل است - انبار مذکور باید شانزده درخت فیت
در طول و عرض و هفت فیت در بلندی باشد و درجات
متعد در ادا باشد که دسته های پیکانده تنباک را جای گیرد
و فلولو سامانی است بجهت گرم کردن انبار بطریق سامانی که

۲۸

حمامها را بدو گرم می کنند. و این ترکیب را فلو میگویند



میت فلو های سنگی یا آجری که روپوش شان آهنی باشد
بقدر کفایت هر انبار از بست و پنج ریال که هفتاد و پنج روپوش
کابلی باشد زائد نیست و این با صرفه و مفید تر است و تنباکی که
بدین طریق خشک شود. بهتر و صافتر است و بهر درجه که حرارت
مطلوب باشد بهترین آلاش فلو است. و نظر بکفایت مصارف

معلوم میشود که خلق در عالم روح گیرند و بجهت تنبک از آتش
هیزم بکرات بهتر است که از علت دود مبری است - در انبار
منافذ چندی بخاری و از جهت خلق بسازند - دیگر آنکه زارع
نوکار لازم است که بملاحظه قوت زمین زراعت کند و اقسام
تلخ را بجای شیرین و شیرین را بجای تلخ بخارد و زراعت
باید بقسمی عمل آید که صورت بازار داشته باشد - تخم را بدو طریق
بنری کنند یا در گرخانه و سردخانه یا در زیر آسمان و این طریق
مختلفه بحسب حیثیت زمین قرار داده شده است - در گرخانه
و سردخانه تربیت تخم بحسب سردات بسیار سرد است - و
در گرم سیر در زیر آسمان تربیت می شود - و از همه کم خسرج
و مفید تر تربیت تخم بر زیر آسمان است و تجربه رسیده که

۳۰

بوته که در زیر آسان تربیت شود. بعد از نشاندن متاثر نمیشود
و رشد او زودتر است. و در زمینی که مناسب تخم باشد بوته‌های دیگر
باز شد و قوت می‌شود. و اگر چنین نکنند حاصل کامل دستیابی
نخواهد شد. بر زراع است که زمین طرف نفاقده را تجویز نکند
و همچنین زمین بکثرت مرطوب و یابس نباشد بلکه زمین معتدل و
با قوت و بجائی واقع شود که مورد رطوبات مختلف باشد. و
زمین باید بکرو سطح از طرفی متصل بکوه و از طرفی متصل بآب
و از طرف جنوب و مغرب هوا گیر و از شمالش قلیل الپهوا باشد
و در زمینی که جهت نشاندن بوته تجویز شد باید آتش زنند
و سوزانند زمین دو قسم است. اول زمین رفته خاک
ویرا قریب یکدیگر آتش زنند بعد یکدیگر بند انگشت زمین گرم شود

و دیگر مرتبه چوبهای کلفت را با فاصله قریب یک انگشت بر زمین
فرو کرده و برگ بروی وی رخنه آتش زنند و این طریق
بجبت زمینی است که بذاته رطوبت کلی نداشته باشد و
زمینی که مرطوب باشد اولاً باید رفع رطوبت وی نموده بعد از آن
بسوزانند و اندازه آتش دادن زمین دوسه ساعت است
و بعد از سوزاندن زمین زغالهای درشت و کندیهای نیم سوز
ویراجد کنند و خاکستر را واکذارند که او باعث قوت زمین است
بعد از آن زمین را بخوبی شخم نموده نرم کنند - مگر شخم
نه چنان عمیق شود که زمین خام رو آید - پس بنجای درخت
و کلوخیهای سخت ویراد و رکند و خاکاک از اصطبل یا از مرغدان
و یا هر خاکاک مصنوعی که با قوت باشد در زمین اندازند - و

۳۲

بتجربه رسیده که استعمال از هر قسم خاشاک اولی است - اما
از خاشاکیکه تخم علفهای خود رو داشته باشد پرمییز زیادی
باید نمود و خاشاک معمولی را از اربع باید بتجربه خود بمورد بکار برد و
در سطح چهل ذراعی تخمها هفت هشت مثقال تخم را در آن زمین
اولاً پاشند و ثانیاً نصف مقدار آن در آن زمین پاشند
تا بطریق مقاسمه درست آید - النسب آن است که تخمها بطریق
خشخاشی پاشیده شود تا اگر آفتی رسد جبر نقصان شود - و بهترین
طریق پاشیدن تخم آن است که مخلوط بنجاک نموده یک مرتبه
از زمین و دیگر از بسیار پاشند تا بمرتبه آید و بواسطه
ریزگی تخم تنباک باید که روپوش او خاک کم بود - اگر
تخمپاشی یک ماه قبل از نوروز سلطانی باشد اندکی بروی زمین

راه روند تا قدری چیده شود و اگر بعد از آن زمان شود زمین را
آهسته بروند و جوهای کوچک کوچک متصل یکدیگر بجهت
اخراج آب بترند و خندق عمیق در چهار دور زمین بکنند
تا آب زائد از چهار طرف در و جمع شود و زمین را از خرابی
محافظت نمایند و بجهت پوشانیدن تخم اولاً جاروب نموده
و بگاه روی و برابری پوشانند چه این قسم پوشش بوته را از
آفت شب‌نم و سورت آفتاب محفوظ میدارد - و البته
حفاظت باعث رشد بوته‌ها خواهد شد - لازم است که زارع
زمین ذخیره بجهت نشانیدن درخت داشته باشد و آن زمین
را در ~~ط~~ ^سکن یا در اسد علفهای هرزه و یرا بریده
بر روی آن گاه و برگ بریزند و بعد علفهای بن‌گذاشته

۳۴

از چوبی بچپانند و آن وقت که شام آنها خشک شد
در او اخر باران یا شروع زمستان آتش بروی افروزند
تا تمام زمین سوخته شود بعد از آن تخم نموده خاکش را نرم کنند
و آنگاه قابل نشاندن بوته میشود و این عمل هر ساله باید بجا آید
و اگر زمین را خوب قوت دهند کفایت چند سال مینماید
و اگر چنانچه از سوزاندن زمین متعسر باشند در صحرای زمین قوتدار بدست
آرند و خس و خاشاک ویراپاک نموده تخم کرده خاشاک دهند و بعد از آن
تخم پاشی نمایند مگر در خشکالی این نوع زمین حاصل
کمتر میدهد و در زراعت ثانی شل زمین سوزانیده
حاصل نمیدهد و تخمکاری را وقت معینی نیست بلکه بواسطه
انعام تخم و زمین است چنانچه در میان سی و پنج و چهل درجه

در سرحدات که موضوع زراعت تنباک است در هر وقت
نخواهند از دو و نیم ماه قبل تا بنوروز تخمپاشی ممکن
است. در هر چه زودتر تخمپاشی شود بجهت نخس اعلی مفیدتر است
چرا که باید تا ابتدای موسم قسم اعلی نچته و رنگدار شود تا در شروع
باران بالکل خشک باشد زیرا در ابتدای موسم باران خشک
کردن تنباک اسهل است. تنباک بسیار خوش رنگ تا دو ماه
بعد از نوروز کاشتن ممکن است و هر چه ازین دیرتر شود -
تنباک وی بدرنگ و گرمتر خواهد شد منتهای وقت
زراعت تنباک تا چار ماه بعد از نوروز است و درین مدت
زمین آماده را اگر درخت نشانند اولی زراعت سیب
زمینی و با قلا است که مگر تنباک است چنانچه شخصی در تربیت

کوشش کند رشد بوته تا زود تر بعل خواهد آمد مخصوصاً
وقتی که چاربرگی باشد بهترین تدبیرات آن است که خاک
اصطبل را نرم و خشک نموده بقرار داده بار فیصد ذراع
مربع بیندازند. و لازم است که در وقت خاک کداندن
بوته از رطوبت و شبنم و غیره پاک باشد زیرا که غبار روی
نقصان در رشد خواهد رساند اگر باعث شسته شود و بعد از آن
در حین بارش یا اندکی قبل از بارش خاک علی در روی
بیندازند و طریقه کاشتن خاک علی بجای خود نوشته میشود
یکی از تربیتهای رشد نگهداری وی از کرم است. و اگر
چنانچه کرم شروع بخوردن وی کند پارچه را در روغن
نفت مدتی کرده بروی بوته بیندازند که کرمهای وی میریزد

سایبان درخت پنبه نیز بجهت نگاهداری بوته از کرم سودمند است
و هرگاه کرم زاید شود زارع باید این اعمال را زیاده نماید و آن
عیب بیشتر از زمینیکه کم سوزانده یا سوزانند و یا در غیبه
فصل بکارند پیدا میشود. و اما القسط انتخاب زمین باید نرم و یک
آلوده و پر گیاه و حشرات الارض باشد که بعد از سوزاندن این
گیاه و حشرات تماماً خاک و باعث قوت زمین شود زیرا که
زمین رمل آلوده قوه جذب آب را دارد و آب یکجا جمع
نمیشود که باعث فساد قوت زمین گردد و چنانچه زمین
کهنه باشد لازم است که در باران یا در ابتدای زمستان
شخم نمایند تا شبنم ویران نرم نماید و اندکی از علف
و برگ در و رخت شود تا بمبر و رتایم پوسیده شده

باعث نرمی و قوت زمین گردد - و اگر بخواهند که تنباک
زرد رنگ شود کاه جو در خاشاک آمیزند که بسیار مفید
است و نیز در اول بهار خاشاکهای کهنه بر زمین اندازند و بعد از
خاشاک نانیا تخم نمایند و از بین و یسار پنجه زشت بشرط آنکه
زیاده از تخم شبر حضرت نشود و قبل از تخمپاشی مکرر از بین و
یسار پنجه زنند - غافل نباید شد که آبادگی استعداد زمین نصف
زراعت است و تا وقتی که زمین بحال استعداد نرسد زارع
باید دست ازومی بردارد - و بعد از استعداد زمین فی جری
از صد و پنجاه الی سی صد رطل خاشاک علی میندازند و چند مرتب
تخم شود تا زمین خوب استعداد بجبت نشانیدن بوته گردد
و بفاصله ربع فروع بجبت نشانیدن بوته نشان کنند و این طریق

بجست زمین بکر کهنه است - و اما بجست زمین زراعت شده
طریقه دیگر است - اغلب تنباک در زمین های بکر کهنه اعلی میشود
و تجربه رسیده که زمینیکه چند سال در او زراعت نشود بجست
زراعت تنباک اولی است چرا که زراعت زمین را میگاهسد -
اگر چه شخم بگا و اسهل و کجتر است مگر شخم بیل بهتر است که زمین
را از ریشه های درخت صاف و ناهمواری ویراست و حفز زیاده
میکند اما شخم اخیر سوای بیل دستی سودمند نخواهد شد - و
چنانچه شخم بگا و منظور باشد قبل از آن اندکی خاشاک علی دروی
اندازند خصوص در زمین کم قوت تا موجب رشد بوته ها گردد - و
در چنین موارد خاشاک علی بسیار مفید است و زارع باید اندک
قوت مین بدست و اردک بسا از کثرت خاشاک قوت زمین بوته را

میوزاند و باعث عدم رشد او میشود. خاشاک هر چه بخت دار
کم و بقوت بیش باشد درخت بهتر تربیت می شود. و بجهت
زراعت تنباک نائتر و جن و فاسفورک ایسڈ و پتاس و
لایم و سوڈا بسیار مفید است و هر خاشاکیکه دارای
هر یک از این خواص باشد خیلی سودمند است بشرط آنکه در
آبیاری وی کوتاهی نشود. و این اقسام مصالح هر یک را
جداجدا خواص و فائده و قوت و قیمت است و دیده شده است
که با علی قسم تنباک اینکس برینڈ ثبات و خفگی نلاین می نماید
و اکمال چارده سال است که زراعت این مطلب را بتجربه رسانده
و مرقع نموده اند که این مصالح از مصالحهای دیگر مفید و قوی تر
است و اقسام دیگر خاشاکها صرف بکار زراعت تنباک میخورند

و بزراعات دیگر سودمند نیست - در استعمال مصالح
زارعین مختلف اند مگر مقدار یرا بجهت سال اول و دوم
اتفاق دارند - و بعضی قایلند که بعد از بریدن تنباک در
زمینیکه مصالح عملی داده باشند زراعت گندم شود و ثانیاً
زراعت تسلیلی از غله بعمل آرند - و چون زمین مستعد شخم شد
بقدر حیثیت وی خاشاک عملی بیندازند و بطریق مذکور بجهت
نشاندن بوته نشان کنند و پیانه را از دست ندهند بجهت
جایجا کردن بوته کومه بسازند - و این فاصله بوته های مذکور
بجهت آن است که وقت شخم بوته را اذیت نشود چه اگر برگها
از او شکسته شود از جنسیت خواهد افتاد - و بعد از آنکه کومه
بجهت نشانیدن درخت آماده شد از چهل یوم بعد از

نوروز هر وقت بخوابند بوتره را بنشانند - چنانچه
بعد از آمادگی کومه درخت را فوراً نشانند اصلاح است -
اگر بوتره را بشرایط مذکور بنشانند هرگز خشک نخواهد شد - وقت
نشاندن باید یک یک بوتره را بطریق ملاکیم از غار برداشت
که باعث حرکت فوق الطبیعه وی نشود - و نشاندن بوترهای
کوچک باعث زحمت و بی سود است - اولی واجب است
که برگهای بوتره کم از یک انگشت نباشد - بوتره را در سبیدی
هناده و سر هر کومه بوتره گذارند - و بعد از آن با جوب سرتیزی
که طولش نیم شبر و قطرش یک بند انگشت باشد نشان نمایند
و بوتره را در آن نشان بنشانند و بذریعہ جوب مذکور و انگشتان
دست اطراف بوتره را خاک ریزی کنند این کار مایه دودن

آلات خارج از دست خوب عمل می آید. و نیز وقت ساختن کومه زمین
باید خشک باشد. بعد بذریع باران یا آب دستی او را رطوبتی دهند
و تا اندکی زمین رطوبت خود جذب نکند بوته ها را نشانند. چنانچه بوته
رسیده و موسم باشد و بطریق تدبیر نشانده شود بهترین اوقات قبل از
طیان است که این موسم مانع نقصان درخت است. و بعد از نیمه
سرطان اعتباری در آن زراعت نیست. و خوب است بعد از موسم
هر قدر که از کومها را خالی کنند بجای وی بوته تازه نشانند. و باید ملاحظه
کرد که اگر بوته نو که بپودن یک کرم در کومه باعث تباهی تمام بوته های
آن کومه خواهد شد. لازم است بعد از نشانییدن
بوته ها تجمیل در تربیت و شخم زمین کنند
در نیجاست که خطا واقع می شود. و این غفلت

۴۴

اول موجب نقصان آخر است - لازم است هر یک ازین
اعمال را بموسم و وقت خود بجا آرند تا حاصل نیکو برداشته
شود - زارع نباید فراموش کند که در هر سه مرتبه شخم
بچه زدن بجهت نرمی خاک لازم است - و خاکیکه بعد از
شخم در زمین زاید شود در کوهها بیندازند که موجب شادابی
بوته خواهد شد - و اگر باران نبارد محافظ بوته خواهد بود و بهر نوع
باید زمین همیشه نرم و از علفهای خود روصاف باشد هر آله که باشد
عیب ندارد - زمین بایر محتاج بترتیب زیاد است خصوص بجهت
تنباک خوشترنگ - و طریق نشانیدن بوته در زمین یک یک است
بر کسانی که زراعت تلحم کرده اند زراعت تنباک بسیار سهل است
چهار دوازده زراعت قریب قریب یکی است - برگ و گلچینی تنباک را

۴۵

طرق مختلفه میباشد. برگ چینی آن است که برگهای کوچک
هرزه ویراجدا کنند و چنانچه گل کرده باشد گلچینی نیز نمایند
و سربری بجبت رشد برگها بعمل می آرند. و طریقه آن است که
برگ زیر درخت را از قیچی یا ناخن جدا کنند که مانع از دیاد برگ
شود. و بعضی زرع در وقت خشکی برگهای کوچک را قطع
نمی کنند. رای شان چنان است که این امر باعث عدم رشد
بوته میشود. علاوه بر اینکه نگاه میدارد برگهای بزرگ او را
از غبار و این نگاهداری غبار موجب صفائی و خوشترنگی مال میشود
و در وقت فروش سبب رونق آن میگردد و مگر نگاهداری وی
باعث گرم خواهد شد. و آن وقت موجب پریشانی است. البته
اولی آن است که تا وقتی که شکوفه و شاخ خوب ظاهر نشود سربری

نکنند و آدم تجربه کار باید عمل سر برمی بجا آرد - زیرا که آنانی که واقف ندارند
همانقدر برگ را میگذارند که دخت را باید و باید برگهای زیر تادرجه سوم
بالا نه برگ باشد - همیشه باید زارع این حباب را در نظر داشته باشد و اگر
بریدن برگ زیر را اراده نداشته باشد و از ده برگ بگذارند
برگ چینی وقتی است که اغلب بوته برگ زائد پیدا کند آن وقت یکدفعه
برگ چینی اولی است زیرا که کثرت ترود باعث شکستن و خرابی بوته
میشود - و برگ جمع شده در یکجا باعث منفعت زارع است - هرگاه
مقصود خشک نمودن آن در فلو باشد - برگ چینی نیز موقوف
است به موسم و تخم تنباک و زمین - و در زمین بای متوسط از ده الی بیزده
برگ زائد نگذارند خصوصاً در قسم اعلاهی تنباک و از تلخ و شیرین از نه الی
ده و بهجت تنباک پر رنگ از هشت الی نه برگ کافی است - اگر زراعت

تنباک بعد از موسم باشد البته برگهای تنباک را کمتر گذارند - و این ظاهر است
که جنس علی موجب منفعت زراع است نه کثرت برگ - علاج کرم را اگر چنانچه
زراع از اول نماید سودمند است و الا بعد از ازو یاد آنها ابدًا علاج پذیر نیست
بهر چند کوشش زیاد بکار رود باعث خرابی تنباک و نقصان زراع میشود
که مراد سالی زاید و سالی کم اند - و در سالیکه زاید پیدا شود هیچ تدبیری
ندارد - وقت پیدایش کرم تنباک ماه می است و آن ایام تخمپاشی آن است
و بعد از هفت هشت روز از تخمپاشی کرمهای ریزه سر از تخم بیرون می آرد
و تا دو مرتبه جلد بدیشان نیفتد قادر بر نقصان تنباک نیست و در عرصه
بست و پنج الی سنی یوم بزرگ میشود و خود را در زمین زیر می کشد تا جلد نیایشی
بیندازد و آنکاه باعث نقصان او هر یک از آنها تخمیناً قریب دو صد تخم می گذارد
و بدین حساب اگر نصف تخمشان ضائع شود از هر کرمی صد کرم بماند

در مرتبه ثانی لائقه و لائقه پس زارع باید نگهبانی نماید که
هر وقت کرمی پیدا شود فوراً او را نابود کند چه علاج واقع
پیش از وقوع باید کرد. و تدبیر هلاکی که مهابرین طریق هست که
چند قطره از عرق کوبلش در گلها ریخته شود تا که مهابرین هلاک
کند. لازم که شاخهای هرزه را بطریق هفته و اربعه قطع کنند و
نگذارند که بزرگی وی دو بند انگشت شود که باعث عدم رشد
برگهای نازک تنباک خواهد شد. تدبیر کرم و قطع شاخهای
هرزه خود باعث بهبودی تنباک می گردد. برگهای تنباک
تا بدرجه کمال نرسد بریدنش مفید نیست و طریق بریدن
وی اقسام مختلف دارد. اگر کار دیک بران را بدست وی
پارچه چیده باشند خوب است و کار و بلید بدست پخته کاران

۴۹

پسوده شود که برگهای رسیده و مطابق و یک رنگ را ببرند و
نارکش را بگذارند. و هرگاه ده بست بونه را برگین نمودند
علامتی قرار دهند که برگها زود دستیاب شود و بویها
نابریده نماند. برنده باید در وقت بزیدن ملاحظه کنند که
تنه وخت حرکت زیاد و برگ را خراب نکند و کار و برگهای
نارکش نزنند. در هر صورت باید ملاحظه شود که وقت بردن
برگها در انبار یا خرمن برگها کوفته و شکسته نشود. بهر نوع
ممکن باشد تدبیر کنند. بجهت آسانی و نگه داری برگها از
آفت شکستن احسن تدبیر آن است که اگر خرمن یا انبار خانه
دور باشد اراده طریقه که طولش بخت در چار ذراع
باشد متیا کنند و در هر طبقه برگها را گذاشته بآرامی

۵۰

بانبارخانه برسانند که پڑمردگی و خشکی برگ باعث عدم
صورت بازار وی می گردد - و برگهای تنباک اعلی را
هر چه زود تر خشک کنند بهتر است - بجهت خشک کردن
تنباک باید در انبارخانه رجه بسته شود مگر بعضی بجهت سهولت
در میدانی رجه رami بندند - بهتر آن است که رجه نزدیک
انبار باشد که اگر بیوقت بارانی رسد در انبار بدون وی
آسان باشد چه بعد از اندکی خشکی برگ محافظت از بارانش
ضرور است - ولی خشک شدن از قلع و غدغه باران را ندارد
و پست تر از خشکی آفتاب نیست و ترکیب خشک نمودن تنباک
از قلع آن است که حرارت انبار را اشتاد و پنج الی نو درجه
فهرنهایت برسانند و هر صبح در قلع آتش افروخته

و حرارتش را تا نود و درجه تا عصر پنج شش روز بگذارند تا
برگها خوشترنگ شود. و اگر برگها بکثرت رطوبت داشته باشد
بدان مقدار هفت هشت روز فلق را نگاهدارند. آنگاه که برگها
داغ خفکی رسید. حرارت تا بصند درجه رسانند و تا دو سه ساعت
حرارت بدین درجه گذارند و بعد از آن بفاصله دو و نیم
ساعت بتدریج حرارت را بحد وسی درجه رسانند تا برگها
خشک شود و بعد از آن تا صد و هفتاد و هشتاد درجه اش رسانند
تا چوبهایش نیز خشک گردد. و برگهای تنباک هر قدر کلفت و سنگین تر
باشد با فلق منابتش بیشتر است. و دو دجبت تنباک نقصان
کلی دارد که تنباک را از رونق بازاری اندازد و فلق ازین
عیب بتری است و حرارت هر درجه که خواسته باشند مکنی است

۵۲

اهل یوز و پ و امریکه عموماً تنباک را بذریعہ فلو می خشکانند
سوامی قلبلی که بدستور سابق اند - تقاضای وقت و پسند مردم
بر خلاف دود است و این نقصان دود عنقریب باعث السد
حرارت آتش میزیم و در و لاج فلو خواهد شد - و با وجود اینکه
رنگ سیاه مرغوب این زمان نیست - اگر بخواهند آنچه از
فلو ممکن است - عموم مردم طالب تنباک کمرنگ اند و این
بذریعہ فلو از سایر اقسام بهتر بعل می آید و علاوه بر این مفایده
هرگاه تنباک از فلو خشک شود تنباک شیرین و برگهایش خالی
از غبار میشود - و هر رنگیکه مطلوب باشد بذریعہ فلو ممکن است
قاعده طبیعی خشک شدن تنباک آن است که اولاً سبزی وی مبدل
بزرودی و زردی بنارنجی و نارنجی بسرخ می شود و این منتهای

۵۳

خوبی رنگ تنباک است - و بهترین تدبیر بجبت خشک نمودن
تنباک آن است که حرارت زیاد در زمان قلیل بپرگهارسانیده
آنها را زرد نمایند - در غرضی که مقصد دشته تنباک
سبز که هر دشته آن شش بوته باشد تخمیناً چارونیم الی پنج هزار
رطل آب دارد - و این مقدار آب باید در عرصه شبانه روز
الی چارونیم شبانه روز بجزارت فلو خشک گردد - و جزارت
زغال بغیر فلو یا هیزم حرارتی است موثر بر خشکیت
ذاتی ولی مایه کثافت زیاد و کثرت مصارف و زحمت بیشمار و
برگهای تنباک را نیز بواسطه غبار از رونق می اندازد - لیکن
فلو کمصرف و کم زحمت تر و باعث بهبودی تنباک است و
کسانیکه کار بذریعه فلو میکنند و مفایدهش را دانسته اند

۵۴

هرگز بدیگر قسم تنباک را خشک نخواهند کرد - اوسط درجه
تنباک از بست و چار ساعت الی سی ساعت باید تا نفوذ درجه
حرارت خورد تا خوش رنگ شود و هر قدر رطوبت تنباک بیش
باشد زردی وی دیرتر خواهد شد - و در اینجا است که ذکاوت
خشک کننده باید بکار رود - و اگر چنانچه زارع در رنگ کردن
تنباک نا تجرب به کار باشد خوب است که شخص مجربنی را درین کار
گزارد تا باعث نقصان و خرابی تنباک نگردد - و شک نیست
که علم را تا عملی نباشد شخص کامل در آن فن نخواهد شد - چه
علم طب تماماً در کتب موجود است - لیکن از برای مریض
طیب لازم است - و بعد از زردی تنباک هر گاه برگهای
اعلایش یک رنگ و برگهای دیگر نیز زرد شد حرارت آتش

۵۵

تا بدرجه صدر رسانند مگر هشیار باشند که رطوبت عرق
از برگمانیزد که باعث سرخی و تندری تنباک خواهد شد
و دفاع این امر آن است که در وازه انبار را باز دارند
و اگر بعد از باز کردن در وازه انبار نیز تا یک ساعت دو ساعت
دفع عرق چکانی نشد درهای متفرق بانبار باز کنند تا انبار
هوای گرم و عرقها خشک شود و این مورد خیلی وقت طلب است اکثر
مال در این وقت خراب میشود و این عیوبات تماماً از تعجیل کار
میشود چنانچه از روی ملائمت و درجه این کار را بعمل آرند
هرگز باعث نقصان وی نخواهد شد اولاً رطوبتی که بر برگها
دیده شود باید یکم و بیشی حرارت ندیر وی نمایند حرارت را
بدرجه ضد تا چهار ساعت گذارند بعد بفاصله هر دو ساعت

دو و نیم درجه زیاد کنند تا بصده درجه رسد - درین مورد
شخص باید خیلی هشیار و مجرب باشد که از صورت و رنگ
تنباک حالت مایول را معلوم کند - شخص تا اثر درجات
حرارت را نیکو ندیده باشد مهارتش درین فن مشکل است
اگر از اندازه حرارت کم بود داغها بطریق آبله در برگها
پیدا میشود و حرارت از درجه اعتدال که بگذرد باعث سرنخی
برگ می گردد - و علاست سرنخی برگ اول در کناره و در وسط
برگ داغ قرمزی می زند و از صد و ده حرارت را که تا صد و
رسانند تعیین وقت ضرورت تجربه زارع در کار است -
از دیاد حرارت به چهار و هشت ساعت باید نمایند اگر چه رهم
چنین است که بدو و نیم ساعت فاصله باشد مگر صورت تنباک

هر طریق را که خوانان شود باید عمل نمود و بهتر آن است که
حرارت را از صد و ده زاید نکنند تا آتش خشکی در کنارهای
برگ ظاهر نشود. و حرارت صد و نوبت تا صد و بیست و پنج
درین موارد کافی است و تا خشکی وی کامل نشود حرارت تخمیناً
از شش الی هشت ساعت بهمان درجه باید باشد و هرگاه
آتش بهوست در برگ نمایان شود بفاصله هر ساعتی پنج پنج
درجه زیاده کنند تا بصد و هفتاد درجه رسد که شاخهائی
نیز خشک گردد. بیشتر حرارت را که بصد و هشتاد درجه
رسانند. باعث سوختگی تنباک یا آتش زدگی خرمن شده است
پس لازم است که بحیث خشک کردن تنباک زارع اصول
و دستور العملی داشته باشد تا بموجب آن عمل نماید

۵۸

و طبع خشک کردن تنباک بموجب ذیل است

شمار	تدبیر	حرارت	وقت
۱	در خشک کردن تنباک که بیل بزرگی گردد	۹۰ درجه	۲۲ الی ۳۰ ساعت
۲	ایضا بجهت ازدیاد رنگ	۱۰۰ درجه	۴ ساعت
۳	ایضا در رنگ اعلی	۱۰۰ الی ۱۱۰ درجه	دو و نیم درجه بقا ۲ ساعت
۴	ایضا در تکمیل رنگ	۱۱۰ الی ۱۲۰ درجه	۴ الی ۸ ساعت
۵	ایضا بواسطه خشکی برگ	۱۲۰ الی ۱۲۵ درجه	۶ الی ۸ ساعت
۶	ایضا بجهت خشکی شاخ	۱۲۵ الی ۱۴۰ درجه	بج درجه بقا صلیب ساعت

چنانچه تنباک را بذر یجه حرارت فلو خشک نمایند بعد از

خشکی وی در هوا برند و وقت جمع کردن تنباک خوب ملاحظه نمایند که

که برگ سبزی در او شریک نشود که بواسطه رطوبت حاره که در او است

شاید باعث خرابی سایر برگها گردد. بعد از خشک شدن تنباک و خشک
بودن هوا اگر باعث شکستگی برگ نشود در صحن انبار برگهای سبز را
فراش نموده برگهای تنباک را بطریقه محاف بروی وی پهن کرده
اندک نم زنند که دفع شکستگی تنباک می نماید. و اگر تنباک از درجه
اعتدال زاید خشک شده باشد و هوا را رطوبتی باقی نباشد و یا موسم
زمستان باشد اندکی در خلخو آتش دهند و گاه مرطوب عینی
رطوبت دستی بجهت نرمی تنباک نیز مفید است. و اگر هوا رطوبتی داشته
باشد ضرر و زیچیک از این اعمال نیست. بتن دتهای تنباک
بوقت عصر اولی است که حرارت آفتاب رو بزوال و برودتی
در هوا پیدا است. و دته تنباک را بخوی بندند که هرگاه شاخی راحت
دهند برگهایش باز گردد. و انتخاب جنس تنباک از رنگ بزرگی برگ

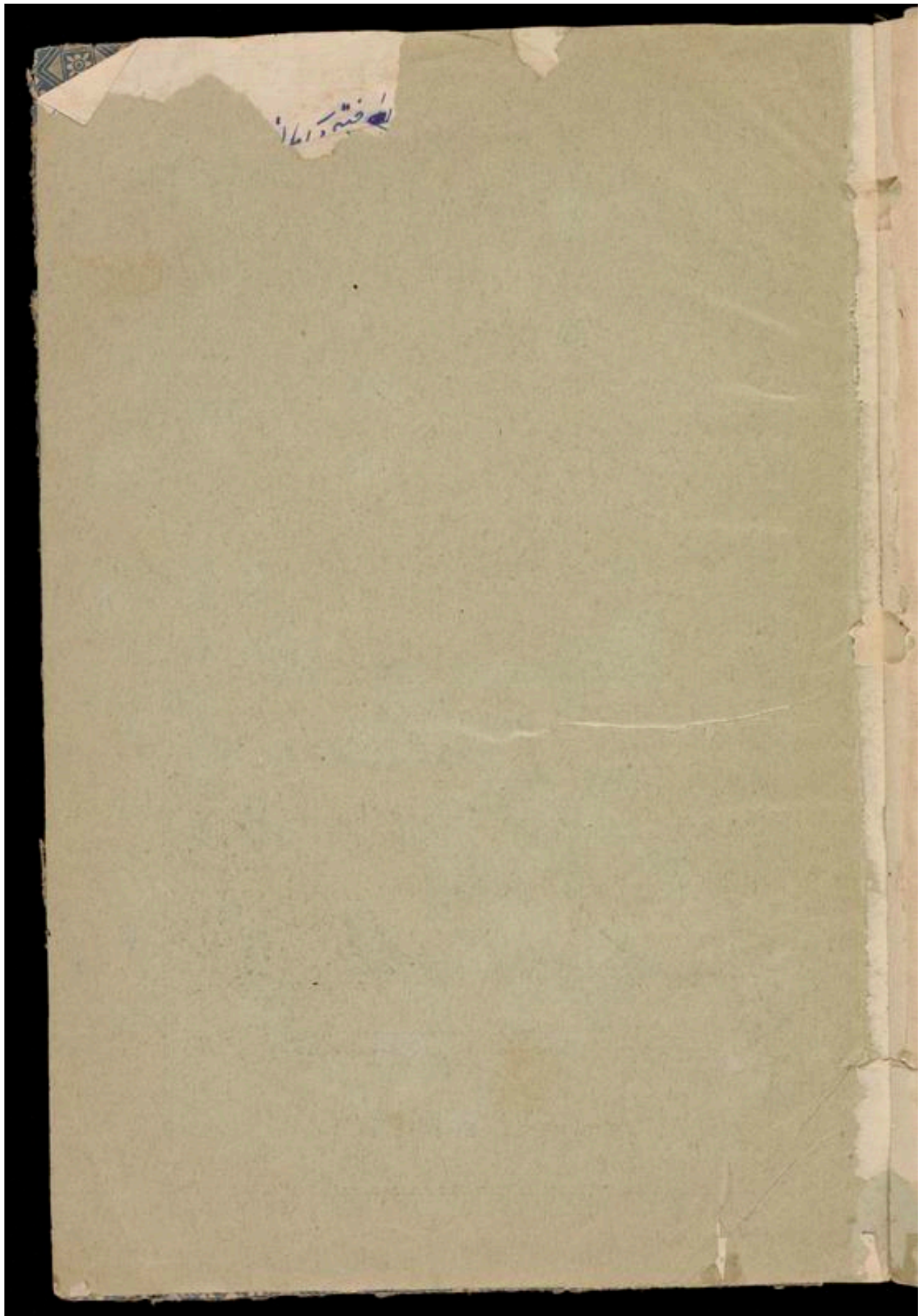
باید نمود. مختصر و مفید چنانچه زارع از عمده خاشاک و تربیت زمین
کثیر بر نیاید قلیل ارضی را ابتدا بر سابق عمل نماید که با فائده کثیر خواهد شد

قل الشیء و حسن

الحمد لله والمنه که این رساله بصیرة الزارعین (در سر رشته تنباک) ترجمه
جناب مولوی مرزا محمد صاحب الشیخ ثاقب البصراوی میرمنشی اداره وکیلالت
دولت خداداد افغانستان تبارنج بست و نهم ماه ذی قعدة ۱۳۲۵ روزه شب با ختم سید

کتابخانه فاکر		غلطنامه		نصف صین	
صفو	سطر	غلط	صحیح		
۶	۵	وجرثومه العزّة	جرثومة العزّة		
۱۱	۸	مخرس الشقائق	مخرس الشقائق		
۱۴	۶	قهرش	چهرش		

جميع حقوق رساله هذا قانوناً محفوظ است



اعلان

رساله نذ اسمعیلی به بصیرة الزارعین که در مطبع رپن پریس
واقع نمیشمارد تا چند دس اشتریت با متهام شیخ محمد وزیر تاج
مالک مطبع و اخبار جنرل و گوهر آصفی کلکته بزور طبع آراسته شد
درج دفتر رجسٹری برٹش انڈین گورنمنٹ گردیده است
صاحب اجل اکرم انجم سٹریٹ - اسے مارطین وکیل التجا
دولت خداداد افغانستان از افسان ایشان واقع جاکسن
جاکسن گھاٹ اشتریت کلکته شائع شده بنا برین مرجع
هیچکس بلا اجازت مصنف قصود طبع نکند

که مایه زحمت و نقصان خواهد بود

فقط

اقل الج

میرزا محمد البصراوي مصنف رساله

